

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

قنوت نماز وتر و سجده‌ی آخر آن، برای مؤمنان دعا می‌فرماید و توفیق آنان را از درگاه خداوند مهربان مسئلت می‌کند؛ همچنانکه دعاهای پاکیزه‌ای مانند دعای مجرب «منیبین»^۱ و دعایی برای هر بامداد و شامگاه^۲ را به آنان تعلیم فرموده و این گونه به ارتباط آنان با منبع هدایت یاری رسانده، ولی روشن است که فاعلیت خداوند متناسب با قابلیت بندگان است و دعا برای سنگ‌ها فایده‌ی چندانی ندارد! دیرزمانی است که مؤمنانی مانند جناب‌عالی، دعوت این انسان بزرگ به سوی «الحق المبین» را شنیده‌اند و مطابقت کامل و إعجاب‌آور آن با عقل و شرع را به نظاره نشسته‌اند، ولی به خیال خود در یاری آن «احتیاط» می‌کنند، در حالی که تعلل‌شان در یاری آن «احتیاط» نیست، بل مصداق بارز «بی‌احتیاطی» است که شیطان در نظرشان «احتیاط» جلوه داده است تا بدین وسیله آنان را از عمل به تکلیف باز دارد و به صفوف «قاعدین» و «خالفین» ملحق کند؛ همانان که از همراهی با حق در آغاز سر باز می‌زنند و خداوند آنان را تا ابد از همراهی با آن محروم می‌کند؛ چنانکه فرموده است: ﴿فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ﴾^۳؛ «پس اگر خداوند تو را به سوی گروهی از آنان بازگرداند، پس از تو برای خروج اذن خواستند به آنان بگو: هرگز به همراه من خروج نکنید و هرگز به همراه من با دشمنی نجنگید؛ چراکه شما در بار نخست به نشستن راضی شدید، پس دیگر بنشینید با جامندگان». این سزای کسانی است که اسلام را در روز غربت آن -روزی که به آنان نیاز دارد- یاری نمی‌کنند و در انتظار روز پیروزی آن -روزی که به آنان نیازی ندارد- می‌نشینند، تا برای جمع کردن غنیمت و برای سهم‌خواهی بیایند؛ یا در جایی بیرون از میدان، به انتظار پایان جنگ می‌نشینند، تا اگر پیروزی برای حق بود بگویند که ما همواره از اهل آن بودیم و اگر پیروزی برای باطل بود بگویند که ما همواره از آنان حذر داشتیم و هیچ‌گاه به آنان نپیوستیم؛ چنانکه خداوند درباره‌ی‌شان فرموده است: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۴؛ «کسانی که برای شما انتظار می‌برند، پس اگر برای شما پیروزی از جانب خداوند بود می‌گویند: آیا ما باشما نبودیم؟! و اگر برای کافران نصیبی بود می‌گویند: آیا ما شمارا در میان نگرفتیم و از مؤمنان پاس نداشتیم؟!»، اینانند که در روز قیامت به اهل حق استغاثه می‌کنند و می‌گویند که به ما نظری بیفکنید تا از نورتان بهره‌ای بگیریم، ولی به آنان پاسخ داده می‌شود:

۱. گفتار ۳۴

۲. گفتار ۱۱

۳. التوبة / ۸۳

۴. النساء / ۱۴۱

«به پشت سرتان باز گردید و نوری برای خود بیابید!»، پس میانشان دیواری کشیده می‌شود که دروازه‌ای دارد و در آن سویش رحمت است و در این سویش عذاب! پس آنان از این سوی آن فریاد می‌زنند، به گونه‌ای که خداوند از آن خبر داده و فرموده است: ﴿يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْنُمْ وَاذْتَبْتُمْ وَاغْرَثْتُمْ الْأَمَانِي حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَاغْرَثَكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾^۱؛ «انان را آواز می‌دهند: آیا ما با شما نبودیم؟! پاسخ می‌دهند که آری، ولی شما خود را فریب دادید و تغلل کردید و شک نمودید و آرزوها فریبتان داد تا آن گاه که کار خداوند فرا رسید و شما را فریبنده درباره‌ی خداوند فریفت». پس عاقبت این «خودفریبی»، «تغلل»، «شک» و «پیروی از آرزوها»، آتشی است که مولای کافران و مولای منافقان است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿قَالِيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾^۲؛ «پس امروز نه از شما و نه از کسانی که کافر شدند فدیهای گرفته نمی‌شود، جایگاه‌تان آتش است که مولای شماست و بد جایگاهی است».

بر این اساس، ما از همه‌ی مؤمنان در سرتاسر جهان می‌خواهیم که اگر دعوت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به سوی اسلام کامل و خالص و زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام را نادرست می‌پندارند، دلیل نادرستی آن را به ما بگویند و اگر آن را درست می‌یابند، از خداوند بترسند و در اجابت و یاری آن کوتاهی نکنند؛ چراکه عذاب خداوند شدید است - بسیار شدیدتر از شکنجه‌ی هر حکومتی - و آنان را یارای آن نخواهد بود، در روزی که آنان را بازخواست خواهد کرد و هیچ بهانه‌ای را از آنان نخواهد پذیرفت.

چه شیوا، ژرف و متناسب است حکمتی که یکی از یارانمان ما را از آن خبر داد، گفت:

«قَالَ لِي الْمَنْصُورُ: أَلَا يَأْتِينَا أَحْوَكُ فَلَانَ فَيُعِينُنَا عَلَىٰ عِبَادَةِ اللَّهِ؟ قُلْتُ: إِنِّي دَعَوْتُهُ - جُعِلْتُ فِدَاكَ - فَرَعِمَ أَنَّهُ يَخَافُ! قَالَ: لَا وَاللَّهِ لَا يَخَافُ وَلَوْ كَانَ يَخَافُ لِأَتَانِي وَلَوْ حَبْوًا عَلَىٰ الثَّلْجِ! فَدَخَلَ عَلَيْهِ جُبَيْرُ بْنُ عَطَاءٍ الْخُجَنْدِيُّ، فَقَالَ: هَذَا يَخَافُ - وَكَانَ لَهُ أَوْلَادٌ صِغَارٌ فَتَرَكَهُمْ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ - ثُمَّ قَالَ: مَنْ يَعْذِرُنِي مِنْ قَوْمٍ لَا يَأْتُونَ الْحَقَّ مَخَافَةَ الْبَاطِلِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ مَخَافَةَ النَّارِ؟! أَوْلَيْكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»^۳؛ «منصور به من فرمود: آیا برادرت فلانی به نزد ما نمی‌آید که ما را در بندگی خداوند کمک کند؟ گفتم: من او را دعوت کردم - فدایت شوم - ولی پنداشت که می‌ترسد!

۱. الحديد / ۱۴

۲. الحديد / ۱۵

۳. گفتار ۱۵۹، فقره‌ی ۵

فرمود: نه به خدا سوگند نمی ترسد و اگر می ترسید به نزد من می آمد اگرچه چهار دست و پا بر روی برف! در این هنگام جُبیر بن عطاء خجندی بر آن جناب وارد شد، پس آن جناب فرمود: این می ترسد - و برای او چهار فرزند خردسال بود که آن‌ها را برای هجرت به سوی خداوند وا گذاشت - سپس فرمود: چه کسی من را معذور می دارد درباره‌ی کسانی که از ترسِ باطل به حق نمی پیوندند و از ترسِ دوزخ به بهشت نمی روند؟! آنان به راستی که زیان کارانند».



بایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌هاشعی خراسانی
مجلس مجتبی‌المرتضی بقربها



بایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌هاشعی خراسانی حفظه الله تعالی

